

"Modern Habitat", Scientific-Specialized Monthly Journal, Persian Edition, Volume 2, Number 2, Fall 2025

Explaining the position of Epistemology in Planning knowledge and introducing "Self-Corrector Dynamic Planning"

## تبیین جایگاه معرفت‌شناسی در دانش برنامه‌ریزی و معرفی «برنامه‌ریزی پویای خوداصلاح‌گر»

نوع مقاله: روش‌شناسی

|                                     |                         |                                                                        |
|-------------------------------------|-------------------------|------------------------------------------------------------------------|
| تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۱۵            | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۲۵ | تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۷/۳۰                                               |
| Article ID: MH-SMJ-8-2-2-2025, P5,1 |                         | Hash: a837c661e599bc652d3c2c07edd9352faa39d2311afa5fd377dd1caf3b5e82b2 |

نویسندگان

۱ نازیلا سپهرکیا (نویسنده مسوول)

سردبیر زیستگاه مدرن

 <https://orcid.org/0009-0009-7179-5836>

Email: nazilasepehrkiya@zistgahemodern.ir

### چکیده

معرفت‌شناسی<sup>۱</sup> علمی است که به توجیه کردن باورهای انسانی و فهم نحوه شکل‌گیری آنها کمک می‌کند. [1] این دانش بر اساس نظریه‌های فلسفی، علوم اجتماعی و روانشناسی شکل گرفته است. برنامه‌ریزی پویای خوداصلاح‌گر<sup>۲</sup>، یک روش پیشنهادی نگارنده برای برنامه‌ریزی است که از طریق تمرکز بر مکانیزم اصولی و سیستماتیک برنامه‌ریزی و تحلیل چند جانبه و دقیق در روش‌های جمع‌آوری اطلاعات اولیه، همچنین ارزیابی خطرهای و پیش‌بینی نتایج، تصمیمات منطقی و موثر را اتخاذ می‌کند. این روش بر اساس فلسفه تفکر سیستماتیک<sup>۳</sup> بنا شده است. معرفت‌شناسی در مورد تمام انسانها یکسان نیست و به همین دلیل است که در برنامه‌ریزی برای سیستمها و جوامع، باید ترمینولوژی<sup>۴</sup> را برای یکسان‌سازی تعاریف استفاده کرد. همچنین جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز برای محاسبه و تجزیه و تحلیل باید از طریق منابع درست و معیارهایی که صحت سنجی آنها مشخص شده باشد صورت گیرد. روش "برنامه‌ریزی پویای خوداصلاح‌گر" یک روش مطمئن، برای برنامه‌ریزی است که با استفاده از نظریه‌های فلسفی، علوم اجتماعی و روانشناسی، قادر خواهد بود کمک‌شایانی در ایجاد و تربیت سیستم‌های پاسخگوی خرد و کلان و جوامع هدفمند پویا نماید.

\*\*\*\*\*

واژه‌های کلیدی: برنامه‌ریزی، خوداصلاح‌گر، پویا، تفکر سیستماتیک، معرفت‌شناسی، محیط زیست،

<sup>1</sup> Epistemology

<sup>2</sup> Self-modifying dynamic programming

<sup>3</sup> Philosophy of systematic thinking

<sup>4</sup> Terminology

"Modern Habitat", Scientific-Specialized Monthly Journal, Persian Edition, Volume 2, Number 2, Fall 2025

## Explaining the position of Epistemology in Planning knowledge and introducing "Self-Corrector Dynamic Planning"

و حتی ماهیت این شکستگی و شاخصهای درست و غلط بودن آن، موضوع شناختی شناخت یا معرفت شناسی است و طبیعتاً اما و اگرهای زیادی هم در بطن آن نهفته است.

به عبارت دیگر در عرصه معرفت شناسی، انسان عقلگرا<sup>۵</sup>، ماهیت شناخت های خود، نحوه شکل گیری و قضاوت در مورد درست و غلط بودن این شناختها یا همان باورها را به چالش می کشد.

و اینجا یک سوال مهم پیش می آید که آیا معرفت شناسی در مورد همه انسانها یکسان است یا دو انسان متفاوت در شرایط کاملاً یکسان آزمایشگاهی میتوانند معرفت های جداگانه ای نسبت به یک پدیده یا شناخت مشخص داشته باشند؟ یا معرفت کسب شده هر دو یکسان خواهد بود؟

«نخستین بار سقراط معرفت شناسی را در محدوده اخلاق تعریف کرد و افلاطون در مورد مسائل عمده معرفت و ارتباط بین عقل و معرفت و باورهای انسانی سخن گفت.

به بیان افلاطون ( فلسفه افلاطون در معرفت شناسی)؛ [3] بطور خلاصه و جمع بندی شده، اگر کسی به گمان خود

چیزی می داند، ولی در عین حال علم او با معلوم مطابق نیست، آیا می توان به او «عالم» گفت؟ جواب منفی است.

بنابر این یکی از شرایط علم، «صدق» است و شرط دوم، این است که معرفت باید به «وجود» تعلق گیرد، نه به «عدم» یا به «امر صائر».

افزون بر آن بر اساس روایتی در ویکی پدیا، « در رساله ته تتوس (ته تتوس) به یونانی (Θεαίτητος) یکی از مکالمات افلاطون با موضوع شناخت است. افلاطون در سال ۳۶۹ ق. م. این رساله را به یاد ته تتوس ریاضی دان نوشته است.)، معرفت چنین معرفی شده است: «باور صادق به همراه امر معقول.» لذا معرفت از دیدگاه افلاطون،

در جهانی زندگی می کنیم که از سادگی و بی آلاشی توأم با پیچیدگی همراه است. در راس هرمی قرار گرفته ایم که بر اساس زنجیره غذایی جماد و نبات و حیوان و انسان بنا شده و بر اساس ادراک وجودی خود، گمان می کنیم (باور کرده ایم) که به دلیل صرف شکار نبودن و برخورداری از قوای عاقله و تکلم، بر سایر موجودات هستی برتری داریم اما هنوز نتوانسته ایم مرزها و ابعاد این توهّم برتری را ثابت کنیم.

تملک و تسخیر طبیعت، ادعای این گونه به ظاهر برتر است که به این برتری باور دارد و این باور را بر اساس قوای هفتگانه خود و ثمره تجربه زیستن نسل به نسل، در محیط زیستی که آنرا کاشانه و خانه خود (قلمرو در باور حیوانات) می داند.

اما انسان این باور خود را چگونه توجیه میکند؟ و ارزیابی اش از باورهای شخصی و جمعی اش چگونه است؟ به عبارت دیگر این باورها چگونه از اساس شکل گرفته اند و آیا اساس آن درست بوده یا نه؟ چه معیاری برای تعیین درست بودن و نادرست بودن باورهایمان داریم و تا چه اندازه خود این معیارها درست هستند؟

به تعبیر جان اتان دنسی [1] در کتاب "مقدمه ای بر معرفت شناسی"؛ معرفت شناسی یا همان شناخت شناسی به نوعی توجیه کردن باورهای انسانی است.

اینکه باورهای ما چه منشأی دارد و تا چه اندازه فهم و استدلال ما، قوه تخیل و احساسات و درک ما از یادگیری و

فراموشی توجیه پذیر است؟، خود، موضوع تحقیقی است که معرفت شناسی نام دارد.

به بیان بسیار ساده، اینکه ما به عنوان یک انسان چه چیزهایی را میفهمیم و چگونه میفهمیم و طی چه مکانیسمی درک میکنیم و احساس ما از فهمیدن و ادراک محیط اطرافمان و حتی شناخت خودمان، چگونه شکل می گیرد؟

<sup>5</sup> Rational Human

۱. فارغ از اثبات لزوم و وجوب معرفت شناسی در برنامه ریزی، برای زندگی بهتر در این کره خاکی یا به بیان ساده تر در محیط زیست قابل سکونت انسان، نیاز به داده های خام داریم و سپس ابزارهای پردازش داده های خام و پالایش و ارزیابی داده ها و در نهایت نتیجه گیری های درست و غلط که اگر بر مبنای خود انتقادپذیری باشد، میتواند منجر به تکامل روشهای جمع آوری داده، تکنیکهای پردازشی و در نهایت استخراج نتایج مورد نیاز برای تصمیم سازی و تصمیم گیری متعادل و واقعگرایانه؛ قابل ادراک و عملگرانه باشد تا بتواند نیاز بشر به برنامه ریزی را به درستی تعریف کند و این نیاز معقول را در راستای تحقق اهداف حال و آینده اش برآورده سازد.

۲. دیگر اینکه دانش برنامه ریزی بطور کاملاً مستقیم، وابسته به معرفت شناسی یا همان شناخت شناسی است که از نظر نگارنده یک امر کاملاً نسبی است و نه مطلق. و ماهیت آن نیز بسته به تفاوت های شخصیتی - محیطی و فردی هر انسان با انسان دیگر، حتی در شرایط آزمایشگاهی یکسان نیز میتواند کاملاً متفاوت باشد.

به عبارت دیگر درک و فهم از یک موضوع مشخص، در دو یا چند انسان متفاوت، لزوماً یکسان نیست و به همین دلیل است که در برنامه ریزی برای سیستمها و جوامع، در ابتدای برنامه، بخشی به نام ترمینولوژی جهت یکسان سازی تعاریف گنجانیده میشود تا مفاهیم بعدی در قالب همان

تعاریف و ادبیات یکسان ارائه گردند و همین امر به همگرایی در درک نسبتاً یکسان از حیث فهم و عمل به برنامه، در مدیرانی که موظف به اجرای این برنامه ها هستند کمک میکند.

۳. مبحث دیگر نحوه جمع آوری اطلاعات مورد نیاز برای محاسبه و تجزیه و تحلیل است. نحوه جمع آوری با لفظ خالص جمع آوری متفاوت است. حتی نگاه حساب شده به مکانیسم جمع کردن اطلاعات

سه شرط داشت: به وجود تعلق گیرد، همراه امر معقول بوده و صادق باشد. [2].

اگر از دید افلاطون به مفهوم معرفت شناسی بنگریم، میتوانیم بگوییم تنها باورهای انسانی که منشاء علم و دانش راستین داشته اند، معرفت انسان را تشکیل میدهند و غیر از این باورهای صحیح مبتنی دانش واقعی؛ شناخت انسان کامل نیست و نیاز به تکامل دارد.

اما آیا دیدگاه افلاطونی پاسخگوی نیازهای عصر نانو فناوری<sup>۶</sup>، **فمتو تکنولوژی**<sup>۷</sup> [5] و ... خواهد بود؟

بروز نبودن و متناسب با واقعیتهای زمان نبودن معرفت شناسی، میتواند به ایراد ضربه به ماهیت معرفت شناسی بیانجامد و اساس دانش مبتنی بر داوریهای غلط را از پایه متزلزل کرده و بر باد دهد. در مورد معرفت شناسی صحبت کردیم تا بتوانیم معیاری برای درست و یا غلط بودن دانشها ارائه دهیم.

چرا که دانشهای ما یعنی جمع دانسته هایی که به باورهای ما منتهی می شود وابستگی شدیدی به نحوه جمع آوری و تفسیر داده های خام اولیه ای دارد که خود ما یا آبا و اجداد ما در طول تاریخ بشریت سینه به سینه و نسل به نسل انتقال و رواج داده اند و منتقل کرده اند.

از اینرو معرفت شناسی میتواند نتیجه پردازش داده های خام محیط و تجربه های درست و غلط ذهن بشریت باشد و همین موضوع میتواند دانش معرفت شناسی را هم به چالش بکشد. البته در این مقاله نیازی به نگارش مجدد پیشینه فلسفه معرفت شناسی نداریم. این مقوله خارج از بحث است و منجر به تَطَوُّل ( طولانی شدن ) بیهوده متن خواهد شد و طرح موضوع، صرفاً برای جلب توجه برنامه ریزان به ریشه و خواستگاه شناسایی شناخت و دانش بشری بیان گردید. اگر خواننده تمایل به مطالعه پیشینه معرفت شناسی بطور اجمالی دارد میتواند از این **لینک** [4] استفاده نماید.

<sup>7</sup> Femtotechnology

<sup>6</sup> Nano technology

Modern Habitat", Scientific-Specialized Monthly Journal, Persian Edition, Volume 2, Number 2, Fall 2025

## Explaining the position of Epistemology in Planning knowledge and introducing "Self-Corrector Dynamic Planning"

اقتصادی محض و هدف محور در حداقل زمان با حداقل هزینه؛ به هر قیمت دیگری به مرحله اجرا میرسد و همین امر منجر به بروز "پدیده مهندسی برنامه ریزی فاجعه ساز" خواهد شد. معضل تکراری که حتی در کوچکترین برنامه های زندگی شخصی خود نیز شاهد آن هستیم.

به بیان بسیار ساده، اکثریت بسیار بالایی از ما آدمها، در مورد نحوه و اصول صحیح تفکر برنامه ریزی هیچ شناخت معقول و درستی نداریم. چون این شناخت نتیجه سالها تعلیم و کسب آگاهی، مطالعه و تجربه است و باید به نسلهای آتی انتقال یابد. این نوع برنامه ریزی حساب شده از نوع سیستماتیک، تحت هر عنوانی که باشد، میتواند به شناخت چگونگی رویارویی معقول و واقعگرایانه با پدیده های روزمره زندگی بیانجامد و بهتر است در سالهای اولیه زندگی هر فرد به زبان بسیار ساده به او آموزش داده شود. چیزی که در این نوشتار از آن عنوان واژه "تعلیم و نهادینه سازی" برای کمک به ادای مطلب استفاده می کنیم.

همچنین بهتر است در کنار واژگان فوق، از واژه های خودتربیتی یا خود سازی نیز استفاده کنیم و با چاشنی خود انتقادی و برنامه ریزی چرخشی تصحیح گر، (ترکیب واژه ها توسط نگارنده برای وضوح بیان) آن را ملموس تر کنیم.

شناخت درست و به موقع؛ از خود و ابعادی وجودی کسی که هستیم و آنچه برای زندگی در این هستی بدان نیاز داریم (اگر هستی را به محیط زیست اطرافمان محدود کنیم و وارد مبحث عمیق هستی شناسی فلسفی نشویم)، در حقیقت اولین گام برای برنامه ریزی یک زندگی سالم و دور از دغدغه های اضافی که منجر به اتلاف زمان و سرمایه می شوند خواهد بود.

واقعگرایانه بودن و انجام پذیری برنامه ها مهمترین شرط و اصلی ترین شرط برنامه ریزی موفق است و برای جلوگیری از اتلاف انواع سرمایه و زمان (عمر)؛ شرط لازم برای نیافتادن در تله اتفاقات پیش بینی نشده

و پاسخ به سه پرسش زیر میتواند در ابتدای کار سرنوشت نهایی تصمیمات را بر اساس جواب این پرسشها، تعیین کند:

۱. بدنبال چه اطلاعاتی هستیم؟
  ۲. این اطلاعات از چه منابعی به دست می آیند؟
  ۳. معیارها و شاخص های ما برای صحت سنجی منابع جمع آوری شده چیست؟
  ۴. تعیین شاخص ها بر اساس چه واقعیهایی انجام میشود؟
  ۵. آیا هزینه تمام شده برای جمع آوری اطلاعات، از حیث زمان صرف شده، حجم اطلاعات و میزان صحت و سقم آن به صرفه است یا نه؟
  ۶. آیا ارزش اقتصادی هزینه مالی و انسانی صرف شده برای جمع آوری اطلاعات، نسبت به سود و زیان نهایی که قرار است به تصمیم سازی بیانجامد؛ معقول و بصره است یا نه؟ حدود و صغور آن چه قدر است؟
  ۷. اطلاعات بدست آمده تا چه اندازه قابل پردازش هستند؟
- و آیا تکنولوژی روز میتواند اطلاعات جمع آوری شده را پالایش و تجزیه و تحلیل کند و پاسخگوی نیازهای تحلیلگر برنامه ریزی خواهد بود یا نه؟
- به عنوان یک برنامه ریز، پیش از شروع عملیات برنامه ریزی نیازمند پاسخ دادن به سوالات فوق هستیم و نکته جالب اینجاست که به احتمال زیاد در حین پاسخ دادن به سوالات فوق، متوجه نقص های پنهان و عوامل پیش بینی نشده ای خواهیم شد که میتواند در حین اجرا مانع از نقشه و الگوریتم پیشنهادی شود.
- به جرأت میتوان گفت اکثر برنامه هایی که در دنیا برای محیط زیست (به معنای عام یعنی زندگی کردن در محوطه قابل زیست)؛ تدوین میشود، (در غیر اینصورت وضعیت محیط زیست جهانی، امروز اینگونه نبود) و بدون طرح مسئله اصلی با جزئیات واقعی و پاسخ دادن به سوالات ۷ گانه اخیر شروع می شود و فارغ از ارزیابی و سبک و سنگین کردن پیامدها و خسارتهای پیش بینی نشده احتمالی، صرفا با دید صرفا

و این مهم هرگز تحقق نخواهد یافت مگر اینکه پرسشهای اصولی و صحیح در ابتدا و نیز در تک تک گامهای اجرایی پرسیده شوند و جوابهایی از جنس واقعیت به آنها داده شود.

در صورتی که پاسخ به سوالات در هر مرحله، بیانگر انحراف از معیارهای اصلی تعیین کننده هدف اصلی باشد، برنامه مجدداً از ابتدا باید مورد تصحیح و بازبینی قرار گیرد و به عبارت ساده تر روند گام به گام برنامه، با اصلاح مرحله به مرحله، تکامل مورد نیاز آن را در پی خواهد داشت. که در این نوشتار از آن به عنوان:

"برنامه ریزی پویای خود اصلاحگر" (واژه نگارنده) یاد می کنیم.

این روش هم اکنون در تعلیم و تربیت هوش مصنوعی مورد استفاده قرار میگیرد ولی بر اساس نتایج قابل مشاهده از وضعیت جوامع انسانی روز دنیا، استفاده از مکانیسم صحیح آن در پرورش عموم انسانها و مدیریت پروژه ها بطور جدی در دستور کار قرار نمی گیرد.

باز یادآوری این نکته حائز اهمیت است که روند آموزش اینگونه برنامه ریزی، صرفاً برای اجرای پروژه ها در سطوح خرد و کلان نیست و شامل جزئی ترین و کوچکترین مسائل زندگی فردی و اجتماعی کودکان - نوجوانان - مادران و پدران سازنده یک جامعه هدفمند و پویا می باشد و در نهایت با تکامل مبنای فکری و ساری شدن آن در سایر موارد و سطوح بالاتر، تصمیم سازی برای حل مسائل محیط قابل زیست انسانها و سایر موجودات هستی، منجر به بهبود وضعیت موجود، خواهد شد.

نگارنده: نازیلا سپهرکیا

منابع فارسی و انگلیسی:

- [1]. Dancy, J. An Introduction to contemporary Epistemology (New York, Basil Blackwell, 1981) (P.1)
- [2]. Edwards, P. ed. The Encyclopedia of philosophy London, Collier Macmillan Press, 1969 (v.2 P.21.)
- [3]. ساختار منطقی معرفت شناسی افلاطون.
- [4]. معرفت شناسی - ویکی پدیا، دانشنامه آزاد.
- [5]. فمتو تکنولوژی - ویکی پدیا دانشنامه آزاد.

ناشی از عملکردی بی تدبیر هیجانی و احساسات محور که مولد فجایع مورد انتظار و اکثراً غیر قابل پیش بینی هستند، می باشد.

آخرین نکته ای که در این مقاله باید به آن اشاره کنیم توجه به تقدّم و تأخّر واژه های برنامه ریزی (Planning) و مدیریت اجرا (Managing) است.

آنچه در اکثر مواقع مشاهده میشود، تقدّم مدیریت اجرا بر برنامه ریزی و اغفال از نقش برنامه انجام پذیر است. اشتباهی که در سیستمهای شکست خورده به وضوح به چشم میخورد، تقدّم فوری بودجه بندی بر الگوریتم نویسی و شروع بلادرنگ اجرای فعالیت، قبل از طرح برنامه و پلن است و هدف اکثراً در هاله ای از ابهامات و سوالات بی پاسخ پرسیده نشده مدفون می ماند.

در این نوع عملیات اجرایی، ابتدا بودجه بندی صورت گرفته و سپس بر اساس بودجه برای رسیدن به هدف تعیین شده، پروتکل های مبهم بازمانده از پروژه های موفق یا ناموفق مشابه، در دستور کار قرار میگیرد که آنهم بیشتر مصرف گزارش نویسی برای اخذ پاداش نهایی دارد و واژه "برنامه ریزی" صرفاً زمانی در اداره سیستم وارد میشود که بخشی یا کل سیستم، در حین عملیات اجرایی، با مشکل پیش بینی نشده برخورد میکند و به عنوان بخشی از راه حل مشکل، بطور کاملاً مقطعی و خارج از اصول تفکر منطقی به صورت موردی وارد چرخه اجرا شده و به محض برطرف شدن ناقص یا کامل پیشامد یا پاک شدن بخشی از صورت مسئله به هر قیمتی، مجدداً به فراموشی سپرده می شود و این نحوه مدیریت که "مدیریت تعلیم نیافته و نهادینه نشده" <sup>8</sup> (به بیان نگارنده) نام دارد، همواره منجر به تخریب هدف و خواسته های اصلی، تعطیل انگیزه، اتلاف سرمایه و انحراف کامل از هدف می شود و تنها راه حل آن فقط تقدّم تفکر برنامه ریزی واقعگرایانه انجام پذیر بر مدیریت تعلیم نیافته و نهادینه نشده در اجرای فعالیتها است.

<sup>8</sup> Untrained and uninstitutionalized management